

ویژگی‌های مصدر در زبان‌های حاشیه خزر (تاتی، تالشی و گیلکی)

جهاندوست سبزی‌علیپور (عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رشت)

چکیده: مصدر از اجزای مهم هر زبان است که به شناخت مباحث دستوری آن زبان از جمله ریشه، ماده، انواع وندهای ماضی‌ساز، انواع صفت فاعلی، انواع صفت مفعولی، انواع پیشوندهای اشتقاقی و تصریفی فعل، و... کمک فراوانی می‌کند. این تحقیق که مستخرج از طرحی پژوهشی در زمینه مصدر ۳۰ گونه زبانی از زبان‌های حوزه خزر (تاتی، تالشی و گیلکی) است، دربردارنده ویژگی‌های مصدر در این زبان‌هاست. در این تحقیق، مصدر در چهار بخش عمده کارکردهای مصدر، ساختمان مصدر، عناصر سازنده مصدر، و سایر نکات مربوط به مصدر بررسی شده است. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که مصدر در زبان‌های حوزه خزر که از زبان‌های ایرانی شمال‌غربی‌اند، ضمن داشتن اشتراکات فراوان صرفی، کارکردهای یکسانی نیز دارند؛ یعنی در اغلب آنها، مصدر کامل در ساخت فعل‌های غیرشخصی، فعل‌های ماضی مستمر و مضارع مستمر و فعل نهی دخیل است و به عنوان گروه اسمی و فعل تابع نیز به کار می‌رود. مصادر ساده و پیشوندی این حوزه در حال فراموشی‌اند و به جایشان، مصدر مرکب به سرعت در حال افزایش است. در اغلب گونه‌های زبانی این ناحیه، نزدیک به دویست مصدر ساده و چهارصد مصدر پیشوندی

وجود دارد. در ساختار مصدر این حوزه، علاوه بر وند مصدری، هشت جایگاه برای وندهای مختلف وجود دارد که از جمله آنها می‌توان به وند واداری، وند مجهول‌ساز، وند اشتقاقی، و وند ماضی‌ساز اشاره کرد. در این زبان‌ها، مصدر دچار دستوری‌شدگی شده حتی به عنوان حرف اضافه به کار می‌رود و گاه حتی شناسه می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: زبان‌های ایرانی شمال‌غربی، زبان‌های حوزه خزر، مصدر، زبان تاتی، زبان تالشی، زبان گیلکی، دستوری‌شدگی

۱. مقدمه

یکی از اجزای مهم هر زبان مصدر است و شناخت صحیح آن به شناخت مباحث دستوری زبان کمک بسیاری می‌کند. در زبان فارسی، به تبعیت از زبان عربی، مصدر در لغت، معنای «سرچشمه و ریشه» می‌دهد و شاید همین تلقی کمک فراوانی به مطالعه مصدر کند؛ گرچه امروزه اثبات شده است که مصدر خود مصدر یا سرچشمه مشتقات یک فعل نیست و از ماده ماضی مشتق شده است. با شناخت مصدر یک زبان، می‌توان به شناخت ریشه، ماده، وند مضارع‌ساز، وند ماضی‌ساز، وند واداری، وند مجهول‌ساز، وند اشتقاقی و تصریفی فعل، و... نیز رسید. کامیاب خلیلی (۱۳۷۳) در فرهنگ مشتقات مصادر فارسی، تا حدی اهمیت مصدر و شناخت مصدر را با داده‌هایی که از متون فارسی استخراج کرده، نشان داده است. به عنوان نمونه، به استناد داده‌های ایشان، در زبان فارسی از مصدر خوردن می‌توان به واژه‌های زیر که در متون فارسی به کار رفته‌اند، دست یافت: خور، خورش، خوره، خورا، خوران، خورنده، خورندگان، خورندگی، خورد، خوردار، خوردنی، خورده، خوردگان، خوردگی، خوردن، خوریده، خوراندن، خوراندن، خورانیده، خوراننده، بخوران. در کنار اینها، می‌توان به صرف انواع فعل‌هایی که با ماده ماضی و ماده مضارع ساخته شده‌اند و نیز دیگر مشتقات آن رسید (خلیلی ۱۳۷۳: ۱۳۱۶).

این پژوهش مستخرج از یک طرح پژوهشی^۱ در زمینه مصدر در زبان‌های حوزه خزر است، که در آن مصادر ساده و پیشوندی ۳۰ گونه زبانی (ده گونه تاتی، ده گونه تالشی و ده گونه گیلکی) جمع‌آوری شده است. گرچه در دسته‌بندی زبان‌های شمال‌غربی ایران زبان‌های دیگری نیز، مانند مازندرانی، جزء دسته زبان‌های خزری محسوب شده‌اند، اما منظور از ناحیه خزر در این تحقیق زبان‌های گیلکی، تالشی، و تاتی است.

روش جمع‌آوری در این پژوهش اغلب میدانی است، چرا که برای بیشتر گونه‌های زبانی در ناحیه مذکور فرهنگ لغتی نوشته نشده است و آنهایی هم که برای اندکی از گونه‌ها فرهنگ لغت نوشته‌اند، به جمع‌آوری مصادر معروف و پرکاربرد قناعت کرده‌اند. به طوری که نگارنده با تلاش زیاد تا بدین مرحله از کار برای اغلب گونه‌های زبانی این ناحیه، نزدیک به دویست مصدر ساده و بیش از سیصد و هفتاد مصدر پیشوندی جمع‌آوری کرده است. آنچه از مطالعه مصادر حوزه خزر برمی‌آید، نشان می‌دهد که در ساخت مصدر عناصر زبانی زیادی از جمله جزء غیرفعلی (اسم، صفت، قید)، ریشه، ماده مضارع، ماده ماضی، وند نفی، وند اشتقاقی، وند واداری، وند مجهول‌ساز و علامت مصدری دخیل هستند و برای شناخت یک مصدر لازم است همه اجزای آن به‌درستی شناخته شود.

در این تحقیق مصدر در چهار بخش عمده (۱) کارکردهای مصدر؛ (۲) ساختمان مصدر؛ (۳) عناصر سازنده مصدر؛ (۴) سایر نکات مهم در مورد مصدر؛ بررسی شده است. در بخش اول، کارکردهایی همچون ایفای نقش به عنوان جزئی از فعل غیرشخصی، جزء فعلی در صرف بعضی از فعل‌ها، حرف اضافه، فعل تابع، گروه اسمی، فعل نهی، آمده؛ در بخش دوم، ساختمان مصادر یعنی ساده، پیشوندی و مرکب بررسی شده؛ در بخش سوم، به عناصر و سازه‌های صرفی‌ای که در ساخت مصدر نقش دارند؛ و بالاخره در بخش نهایی، به نکات مهمی در مورد مصدر همچون مصدر مجهول و

۱) این طرح پژوهشی تحت عنوان «جمع‌آوری و تحلیل مصادر زبان‌های گیلکی، تالشی و تاتی» در دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت در

و اداری، دستوری‌شدگی مصدر، مصدر لازم و متعدی و مصدر مرخم پرداخته شده است. هر مصدر معنا یا معناهای اولیه و ثانویه‌ای دارد؛ این تحقیق به معناشناسی نمی‌پردازد و فقط معنای کلی یا یکی از معانی را ذکر می‌کند.

نتیجۀ پژوهش نشان می‌دهد که مصدرها در زبان‌های حوزه خزر، ضمن داشتن عناصر ساختمانی مشترک، کارکردهای یکسانی نیز دارند؛ به طوری که در اغلب آنها، مصدر کامل در ساخت فعل‌های غیرشخصی، فعل‌های ماضی مستمر و مضارع مستمر، و فعل نهی دخیل است و به عنوان گروه اسمی و فعل تابع نیز کاربردهای فراوانی دارد. نکته قابل ملاحظه دربارهٔ مصادر این حوزه این است که در این زبان‌ها، دستوری‌شدگی^۱ مصدر روی داده است، به طوری که در گیلکی، مصدر به عنوان حرف اضافه به کار می‌رود و در جایی نیز شناسه می‌گیرد. مصدرهای ساده و پیشوندی این حوزه در حال فراموشی است و به جایشان، مصادر مرکب به سرعت در حال افزایش است.

از بین مجموعه ۳۰ گونهٔ زبانی بررسی شده در طرح پژوهشی، در این تحقیق، فقط مصدر ۶ گونه مطالعه شده است. هدف از این کار، تمرکز بر تعداد کمی از آنها بوده تا بتوان به داده‌ها و نتایج دقیق‌تری دست پیدا کرد. شش گونهٔ بررسی شده در این پژوهش به شرح زیر هستند:

زبان	نام گونه	مشخصات جغرافیایی آن
تاتی	گونهٔ کرینی (kar n-i)	از گونه‌های تاتی خلخال رایج در روستای کرین، از توابع شاهرود خلخال
	گونهٔ دروی (d rav-i)	از گونه‌های تاتی خلخال رایج در روستای درو، از توابع شاهرود خلخال
تالشی	گونهٔ پره‌سری (parasar-i)	از گونه‌های تالشی مرکزی رایج در بخش پره‌سر شهرستان رضوان‌شهر گیلان
	گونهٔ سیاه‌مزگی (siy mazgi)	از گونه‌های تالشی جنوبی رایج در روستای سیاه‌مزگی شهرستان شفت گیلان
گیلکی	گونهٔ رشتی	گیلکی رایج در شهر رشت
	گونهٔ رودسری	گیلکی رایج در شهرستان رودسر

1) grammaticalization

۲. پیشینه بحث

محققانی که به نوشتن فرهنگ لغت پرداخته‌اند، به مصادر آن زبان اشاره کرده‌اند؛ اما فقط به مصدر به عنوان یک واژه در کنار سایر واژه‌ها نگریسته‌اند و کم‌وبیش فهرستی از آنها ارائه کرده‌اند و دیگر به تحلیل آنها نپرداخته‌اند. برای زبان گیلکی، ستوده (۱۳۳۲)، مرعشی (۱۳۸۲)، سرتیپ‌پور (۱۳۶۹)، پاینده لنگرودی (۱۳۷۵)، نوزاد (۱۳۸۱) فرهنگ یا واژه‌نامه‌هایی نوشته‌اند و بیشترین تحقیق در این حوزه هم مربوط به همین فرهنگ‌نگارهای گیلکی^۱ است. در مورد سایر گونه‌های زبانی مورد مطالعه این مقاله، به استثنای تالشی پره‌سری (نک: رضایتی کیشه‌خاله و خادمی ارده ۱۳۸۷) و تاتی دروی (نک: سبزیلیپور ۱۳۹۰) مأخذی نیست که بتوان به فهرستی از مصادر رسید.

منابعی نیز به طور خاص به بعضی از ویژگی‌های مصدر در زبان‌های مورد نظر پرداخته‌اند، از جمله رضایتی کیشه‌خاله (۱۳۸۵) به مصدر و ساخت آن در تالشی پرداخته؛ صبوری (۱۳۹۲) در «ریشه‌شناسی چند مصدر گیلکی»، به ریشه‌شناسی تعدادی از مصادر گیلکی شرق گیلان پرداخته است؛ مرادیان گروسی (۱۳۸۵) در کتابی تحت عنوان مصدر در زبان گیلکی، به ویژگی‌های مصدر گیلکی رشتی اشاره کرده که چندان دقیق نیست، اما تلاش زیادی انجام داده است؛ و سبزیلیپور (۱۳۹۱) هنگام بررسی ساختمان فعل در تاتی، تالشی و گیلکی، به طور گذرا، به مصدر این سه زبان اشاره کرده است.

۳. مصدر در زبان‌های حوزه خزر

در زبان‌های حوزه خزر، مصدر از چند منظر بررسی شده است: ۱) کارکردهای مصدر؛ ۲) اجزای مصدر؛ ۳) ساختمان مصدر؛ ۴) سایر نکات مربوط به مصدر. در زیر، هرکدام جداگانه با مثال‌هایی بررسی شده است.

(۱) درباره نقد فرهنگ‌های گیلکی، نک: سبزیلیپور، زیر چاپ.

۱.۳. کارکردهای مصدر

مصدر در زبان‌های تاتی، تالشی و گیلکی در ساخت سازه‌های دستوری زیر نقش دارد و همچون موارد زیر عمل می‌کند.

۱.۱.۳. فعل غیرشخصی

در ساخت فعل‌های غیرشخصی این زبان‌ها، مصدر نقش عمده‌ای دارد. به این صورت که در این زبان‌ها جزئی از فعل غیرشخصی به شکل مصدر ظاهر می‌شود. این افعال امروزه در زبان فارسی اغلب به شکل مصدر مرخم ظاهر می‌شوند. مانند نمی‌شود گفت، می‌توان دید:

yā ku nəbu hasan-ə vind.en?	نمی‌توان از اینجا حسن را دیدن (دید)؟	دروی
həsā bu mālān čār.n.əs.an?	الآن می‌شود دام‌ها را چراندن (چراند)؟	کرینی
babi xəte.	می‌شود خوابیدن (خوابید).	پره‌سری
bəse nə.šen.	باید نرفتن (نباید رفت).	سیاه‌مزگی
vasti ništan.	باید نشستن (نشست).	رشتی
bu[n]ə gut.ən.	می‌شود گفتن (گفت).	رودسری

۲.۱.۳. صرف انواع فعل

مصدر در زبان‌های تاتی، تالشی و گیلکی برای ساخت فعل‌های ماضی و مضارع نقش دارد. یعنی در تاتی کرینی برای ساخت مضارع اخباری؛ در تالشی پره‌سری برای ساخت مضارع مستمر و ماضی مستمر؛ در گیلکی رشتی و رودسری برای ساخت ماضی مستمر و نیز مضارع مستمر به کار می‌رود. برای هر یک از کاربردهای فعل‌های مذکور در زیر نمونه یا نمونه‌هایی ذکر شده است.

۱.۲.۱.۳. در زبان تاتی کرینی، برای ساخت مضارع اخباری، شکلی از مصدر که مرخم است، به کار می‌رود. در این شکل، از آخر مصدر علامت n- حذف می‌شود. یعنی vāta شکل کوتاه یا مرخم مصدر vātan است.

a i man vâta kar-i, bad niy .	آنچه به من می‌گویی، بد نیست. (کرینی)
az h sâ št râ vâta kar. m.	من الآن برای تو می‌گویم. (کرینی)
t št xaluân xub šurda kar.i yâ na?	لباس‌هایت را خوب می‌شویی یا نه؟ (کرینی)
a j q la.yi k âšânda kar.i, igi j q lay ?	آن بچه‌ای که [گهواره‌اش] را تکان می‌دهی بچه کیست؟ (کرینی)

۳.۱.۲.۲. در زبان تالشی پره‌سری، از مصدر در ساخت فعل مضارع مستمر و نیز ماضی مستمر استفاده می‌شود.

kâr.ima. harde .	دارم می‌خورم. (پره‌سری)	مضارع مستمر
kâr.ina.n šte .	دارند می‌نشینند. (پره‌سری)	مضارع مستمر
kâr.iša. barde .	داری می‌بری. (پره‌سری)	مضارع مستمر
kâ(r) b.im še .	داشتم می‌رفتم. (پره‌سری)	ماضی مستمر
kâ(r) bi.mun barde .	داشتم می‌بردیم. (پره‌سری)	ماضی مستمر
kâ(r) bi.run harde	داشتید می‌خوردید. (پره‌سری)	ماضی مستمر

۳.۲.۱.۳. در گیلکی رشتی و نیز گیلکی رودسری، ساخت ماضی مستمر از مصدر (مرخم) فعل اصلی + وند -/da- + d صرف ماضی مطلق «بودن» به دست می‌آید.

xoft n dibim.	داشتم می‌خواهیدم. (رشتی)	ماضی مستمر
ništ n dibid.	داشتید می‌نشستید. (رشتی)	ماضی مستمر
xote d bum.	داشتم می‌خواهیدم. (رودسری)	ماضی مستمر
nište d bin.	داشتید می‌نشستید. (رودسری)	ماضی مستمر

در گیلکی رشتی و نیز گیلکی رودسری، ساخت مضارع مستمر از مصدر (مرخم) فعل اصلی + نمودنمای -[r] -/da- + شناسه به دست می‌آید.

xurd n d r. m().	دارم می‌خورم. (رشتی)	مضارع مستمر
ništ n d r. d().	دارند می‌نشینند. (رشتی)	مضارع مستمر
xurde dar. m.	دارم می‌خورم. (رودسری)	مضارع مستمر
nište dar. n.	دارند می‌نشینند. (رودسری)	مضارع مستمر

در گیلکی، گاه به جای شکل اصلی مصدر، شکل مرخم آن به کار می‌رود. منظور از مصدر مرخم گیلکی مصدری است که از آخر آن (ə)n- حذف شده باشد؛ مانند nište- از مصدر ništ-en یا šō یا از مصدر šōn (رفتن). مصدر مرخم در گیلکی رودسری بیشتر به کار می‌رود:

xân da.rə.	دارد می‌خواند.	رودسری
xand.ən də.rə.	دارد گریه می‌کند.	رشتی
gəryə ka.rə.	دارد خنده می‌کند.	رودسری
gəryə ka.rə.	دارد گریه می‌کند.	رشتی

در دو مثال اخیر، ka ریختی از مصدر kudən به معنای انجام دادن است و گویا بیشتر برای بیان این دو حالت عاطفی «گریستن» و «خندیدن» به کار می‌رود و خود نیازمند تحقیق بیشتر است.

۳.۱.۳. حرف اضافه

در زبان گیلکی، از مصدر گاهی به عنوان حرف اضافه استفاده می‌شود. در این مواقع، مصدر معنی «مثل» و «مانند» می‌دهد. در این زبان، اغلب از مصدر mānəstan به معنی «مانند و شبیه بودن» استفاده می‌شود و از این مصدر مشتقاتی در زبان گیلکی باقی مانده است. یعنی همچون دیگر فعل‌ها در زمان‌های مختلف صرف می‌شود. می‌توان گفت که در دستور زبان گیلکی، دستوری‌شدگی مصدر روی داده است (برای دستوری‌شدگی مصدر در این زبان‌ها، نک: ادامه بحث).

i ði dastə bolandə gušt kubə mānəstan bə das dərə.	چیزی دسته‌بلند شبیه گوشت‌کوب، در دست دارد. (رشتی)
tur. ə mānəstan raftār kudi.	مثل دیوانه رفتار می‌کرد. (رشتی)

۴.۱.۳. فعل تابع

فعل تابع فعلی است که برای تمام شدن مفهوم فعلی دیگر می‌آید (نک: ناتل خانلری ۱۳۶۶: ۳۶۱). در زبان‌های مورد بررسی، تابع فعل‌های شبه‌معین به صورت مصدر ظاهر می‌شود.

به عبارت دیگر، فعل‌های شبه‌معین^۱ به دنبال خود، فعل‌هایی به همراه دارند که تابع آنها محسوب می‌شوند. مجموع فعل شبه‌معین و تابع با هم یک فعل را تشکیل می‌دهد.

t š y m u[y] n pe.gat.en?	تو می‌توانی این چوب‌ها را برداری؟ (دروی)
biri y ku bar šiyen?	باید از این جا رد شدن (شد)؟ (دروی)
m hav ku bu šijan ka?	در این هوا می‌توان رفت خانه؟ (کرینی)
da.mand.im virite.	شروع کردم به دویدن. (پره‌سری)
da.manda ba vâte.	شروع کرده بود به گفتن. (پره‌سری)
t l ši ruka b r nebu ben, gilaki pilla b r .	برادر کوچک تالش نمی‌شود بود؛ و برادر بزرگ گیلک. (سیاه‌مزگی)
da.manda lua karde.	شروع کرده بود به حرف زدن. (سیاه‌مزگی)
n šā dov st n, rā: l. .	نمی‌توان دوید، راه گل‌آلود است. ^۲ (رشتی)
š ništ n.	می‌توان نشست. (رشتی)
n š n . xur.d n.	نمی‌شود نخورد. (رودسری)

۵.۱.۳. گروه اسمی

در زبان‌های مورد نظر، مصدر، علاوه بر موارد فوق، می‌تواند به عنوان هسته گروه اسمی واقع شود و وابسته پیشین و پسین بگیرد.

št m yav š k r karden. ama b k št.	این یواش کار کردند ما را خسته می‌کند. (دروی)
hasan b lan gaz zen x rdan. š bayz n s.	بلند صحبت کردن حسن بچه را بیدار کرد. (دروی)
kayni r na varde r b šam?	کی برای آوردن کاه برویم؟ ^۳ (پره‌سری)
ayi m šayvan karden de alakiy .	این گریستن او دیگر بیهوده است. (سیاه‌مزگی)
angušti amra im m zada tarf išara kud n xob niy .	اشاره کردن با انگشت به طرف امامزاده خوب نیست. (رشتی)

(۱) برای فعل‌های شبه‌معین تاتی نک: سبزه‌علیپور ۱۳۹۱: ۱۲۲.

(۲) نک: پورهادی ۱۳۸۷: ۹۰.

(۳) رضایتی کیشه‌خاله ۱۳۸۶: ۱۳۰.

زیاد خوابیدن برای بدن خوب نیست. (رودسری)	ziyād xotan jona visen xub niye.
---	----------------------------------

۶.۱.۳. فعل نهی

در زبان گیلکی، مصدر در ساخت فعل نهی نقش دارد. بدین صورت که در این زبان، علاوه بر روش ظاهراً تازه ساخت فعل نهی که گویا متأثر از فارسی است، روش دیگری هم برای ساخت فعل نهی به کار می‌رود که شکل ظاهری‌اش شبیه فعل‌های غیرشخصی است، اما غیرشخصی نیست و فعل نهی گیلکی در اصل همان است که سالخوردگان و بزرگسالان در کوچه و بازار از آن استفاده می‌کنند.^۱

نباید خوردن، نخور. (رشتی)	nə.vâ xurd.on.
نباید رفتن، نرو. (رشتی)	nə.vâ šün.

۲.۳. ساختمان مصدر

ساختمان مصدر در تاتی سه نوع است: ساده، پیشوندی و مرکب. گاهی در مصدرهای مرکب، عناصر دیگری از جمله حرف اضافه نیز دخیل هستند؛ مثلاً «دست از پا خطا کردن» که در دستورهای فارسی، آنها را جزء عبارت‌های فعلی یا مصدری دسته‌بندی کرده‌اند. با توجه به اینکه بخش فعلی آن مصادر، از نظر ساختمان، تفاوتی با مصدرهای مرکب ندارد، در این پژوهش، جداگانه ذکر نشده‌اند.

۱.۲.۳. مصدر ساده

منظور از مصدر ساده مصدری است که در آن، وند اشتقاقی و جزء غیرفعلی به کار نرفته باشد. در هرگونه از گونه‌های زبانی این منطقه، تقریباً تا دویست مصدر ساده وجود دارد. در حالی که در زبان فارسی، این حد امروزه خیلی کمتر است.^۲ متأسفانه امروزه این مقدار در زبان‌های مورد نظر، کم‌کم رو به فراموشی است و جایشان را

(۱) نگارنده زمانی که مشغول جمع‌آوری داده‌هایی از زبان گیلکی برای رساله دکتری خود بود، به این نکته دست یافت که مردم در

کوچه و بازار از شکل جدید فعل نهی مثلاً «نگو»، «نخور»، «نرو» به ندرت استفاده می‌کنند.

(۲) صادقی در پژوهشی، به بالاترین رقم افعال ساده فارسی اشاره کرده و عدد ۱۱۵ را ذکر کرده است (صادقی ۱۳۷۲: ۲۴۱).

مصادر مرکب می‌گیرند؛ مثلاً در تالشی سیاه‌مزگی به جای مصدر گریستن که در اغلب مناطق تالشی و تاتی اطراف شبیه (n) b ram. st.e می‌تلفظ می‌شود، š yvan karden به کار می‌رود. نمونه چند مصدر ساده در زیر آمده است:

n št.en	نشستن	دروی
bard.an	بردن	کرینی
hard.e	خوردن	پره‌سری
b rd-en	بریدن	سیاه‌مزگی
tâb.ân.en	تاپانیدن	رشتی
naz. st. n	نازیدن	رودسری

۲.۲.۳. مصدر پیشوندی

منظور از مصدر پیشوندی مصدری است که در آن وند اشتقاقی یا پیشوند فعلی (نک: بند ۲.۳) به کار رفته باشد. اغلب مصادر این حوزه به گونه‌ای هستند که علاوه بر شکل ساده، شکل پیشوندی هم دارند و هرکدام با چندین پیشوند به کار می‌روند. این مصدرهای پیشوندی اغلب قدیمی‌اند و تا حدی همچون مصادر ساده در حال نابودی هستند، یعنی مصدر مرکب به همه آنها تاختن آورده و خطر فراموشی آنها بسیار است. در این طرح پژوهشی، مشخص شد اغلب گونه‌های این حوزه تقریباً تا چهارصد مصدر پیشوندی دارند، البته بسیاری از شکل‌های آنها امروزه اشتباهی به جای هم به کار می‌روند یا اصلاً از یادها رفته‌اند. اگر چند دهه قبل به جمع‌آوری آنها اقدام می‌شد، شاید امروز درصد بیشتری از مصادر پیشوندی و ساده داشتیم. مصدرهای پیشوندی این حوزه به گونه‌ای است که می‌توان به طور تطبیقی به جمع‌آوری آنها پرداخت؛ مثلاً وجود یک مصدر پیشوندی در تاتی کرینی شاید بهانه‌ای برای بازیابی همان مصدر در تالشی ماسالی باشد. در زیر تعدادی از آن مصادر آمده است:

pe.gat.en	برداشتن	دروی
.kard.an	باز کردن	کرینی
vi.gat.e	گرفتن، خریدن	پره‌سری

da.get.e	کشیدن چیزی روی خود، مثل چادر یا روسری	سیاه‌مزگی
ji.viš.t. n	فرار کردن	رشتی
di.bišt. n	سرخ کردن ماهی	رودسری

۳.۲.۳. مصدر مرکب

مصدر مرکب در این حوزه، مصدری است که از یک جزء غیرفعلی (اسم، صفت و قید) و یک جزء فعلی (فعل ساده یا فعل پیشوندی) تشکیل شده باشد. پربسامدترین مصدرهایی که در ساخت فعل مرکب نقش دارند، عبارت‌اند از کردن، شدن، زدن، گرفتن، و دادن. نکته قابل ذکر در مورد مصدر مرکب این حوزه، به‌ویژه زبان‌های تالشی و تاتی، این است که مصدر لازم و متعدی، در ظاهر، شبیه هم هستند، اما در موقع صرف، لازم هم مانند متعدی صرف می‌شود. مثلاً «tar karden» «قهر کردن» در معنا لازم است و موقع صرف، متعدی می‌شود: «tar- š b kard» «قهر کرد»؛ چون دارای ساخت ارگتیو است، یعنی همچون مصدر متعدی عمل کرده است. به عبارت دیگر، تمام مصادر مرکب (چه لازم و چه متعدی) در زمان ماضی، ساخت ارگتیو دارند (نیز نک: سبزعلیپور ۱۳۹۱: ۱۴۱ و ۲۴۹).

janj kard.en	فاسد شدن	دروی
f t âkard.an	پُر کردن	کرینی
fer a.du.e	دور انداختن	پره‌سری
sar bar kard.en	سر در آوردن	سیاه‌مزگی
garm â.kud. n	گرم کردن	رشتی
râst â.git.ân	بلند کردن	رودسری

۳.۳. عناصر سازنده مصدر

عناصر سازنده مصدر در زبان‌های مورد نظر، به ترتیب جایگاهشان در مصدر، به شرح زیر است:

ردیف	شکل مصدر و معنای آن (مثال‌ها از گونه دروی است)	جزء غیر فعلی	وند اشتقاقی / تصریفی	وند نفی	ریشه فعل	ماده مضارع ساز	وند واداری	وند مجهول ساز	ماده ماضی ساز	علامت مصدری
1	das ba.n rkarden (از دست دادن)	das	ba-	-n -	-kar-				-d-	- n
2	xur. v n. s.en (خنداندن)				-xur-		- v n-		- s-	- n
3	sar .n .g n. s.en (آگاه و ملتفت نشدن)	sar	-	-n -	-g n-				- s-	-en
4	xur. n. s.en (خنداندن)				-xur-		- n-		- s-	-en
5	anj.en (خرد کردن گوشت و چوب)				-anj-					-en
6	pe.par .in.i.s.en (سپری شدن)	pe-			-par -	-in-		-i-	-s-	-en
7	f r .in.i.s.en (فشرده شدن)				-f r -	-in-		-i-	-s-	-en
8	f r .i.en (فشردن)				-f r -				-i-	-en
9	x r.i.en (خریدن)				-x r-				-i-	-en

همان‌طور که در جدول مشخص است، در ساخت یک مصدر، عناصر زیادی دخیل هستند و هر مصدری، بر حسب نوع خود، می‌تواند یکی از آن جایگاه‌ها را پر کند. مثلاً مصدری که واداری یا سببی است، در آن وند واداری ظاهر می‌شود و مصدری که واداری نیست آن جایگاه را پر نمی‌کند. در مصدر یک فعل، ریشه، ماده مضارع و ماده ماضی هر کدام جایگاه خاص و ثابتی دارند؛ مثلاً ریشه در مصدر شماره ۷ -f r - است که برای ساخت ماده مضارع، به آن وند -in- چسبیده است و علاوه بر آن، برای ساخت ماده ماضی، وند ماضی ساز -s- به آن پیوسته است. شاید به نظر برسد که ریشه این فعل کلاً -f r in- است و به آن وند ماضی ساز پیوسته است، اما چنین نیست؛ ریشه این فعل،

همچنان که در شماره ۸ نشان داده شده است، -f r- است و -in- جزء مضارع‌ساز آن است.

۱.۳.۳. جزء غیرفعلی مصادر مرکب

اولین جزئی که در زبان‌های تاتی، تالشی و گیلکی در مصدر ظاهر می‌شود. جزء غیرفعلی مصادر مرکب است. در نبود آن پیشوندهای قاموسی و تصریفی می‌توانند ظاهر شوند. جزء فعلی فعل مرکب در این زبان‌ها، از فعل ساده یا فعل پیشوندی تشکیل شده است:

مصدر مرکب با جزء فعل پیشوندی		مصدر مرکب با جزء فعل ساده	
tam .jan.d.en	آرام کردن بچه	b rama karden ^۱	گریه کردن
f r â.kard.an	له کردن	avaz baršiy.an	تلافی کردن
valak a.kar.d.e	جدا کردن پوست سبز گردو	r že	آتش زدن
jalav pe.kar.d.en	افسار زدن	jalavi kanden	برداشتن افسار
avir .bo.st.an	گم شدن	use kudan	روانه کردن
surx .kud.an	سرخ کردن	garm .kud.an	گرم کردن

۲.۳.۳. پیشوندهای قاموسی و تصریفی مصدر

دومین جزئی که در مصدر زبان‌های مورد نظر ظاهر می‌شود، پیشوندهای قاموسی و تصریفی مصدر است. گاهی در آغاز مصادر زبان‌های سه‌گانه فوق جزء غیرفعلی می‌آید، گاهی هم نمی‌آید. به عبارت دیگر، این دو نسبت به هم توزیع تکمیلی^۲ ندارند، یعنی وجود یکی دیگری را نفی نمی‌کند، اما خود پیشوندهای قاموسی و تصریفی نسبت به هم توزیع تکمیلی دارند و هرگز با هم بر سر یک مصدر ظاهر نمی‌شوند. پیشوندهای فعلی که بر سر مصادر تاتی، تالشی و گیلکی ظاهر می‌شوند، دو دسته هستند: پیشوندهای قاموسی و پیشوندهای تصریفی.

(۱) شکل ساده این مصدر به صورت b ram. st.en در تاتی دروی و در گویش‌های دیگر به صورت‌های دیگر هم به کار می‌رود.

(۲) complementary distribution

پیشوندهای قاموسی که بر سر مصادر ظاهر می‌شوند، در زبان‌های مورد بررسی به شرح زیر هستند:

پیشوندهای تاتی: -e, -pe, -da /de-, -ara-, -bar-, -ji-, -â-, -hâ-

پیشوندهای فعلی: -pe/pi-, -vi-, -da-, -ba(r)-, -ji-, -âr-, -â-

انواع پیشوندهای گیلکی همراه با تکواژگونه‌های آنها:

رودسری: d(i-ə-u-a)- j(i-ə-u)- v(i-ə-u-â-a)- f(i-ə-u-a)- â/a- hâ-

رشتی: d(i-ə-u-a)- j(i-ə-u)- v(i-ə-u-â)- f(i-ə-u-a)- u- â-

در تاتی و تالشی هیچ پیشوند تصریفی‌ای بر سر مصدر نمی‌آید، ولی در گیلکی رودسری و در مواردی در گیلکی رشتی، مصداری رایج‌اند که در آغاز آنها وند تصریفی -b(v) ظاهر می‌شود:

ba-bord-ən	بردن	رشتی
ba-gut-ən	گفتن	رودسری
ba.goft.ən	گفتن	رشتی
ba.xord.ən	خوردن	رودسری، رشتی

این وندها در زبان گیلکی شرقی و نیز در زبان مازندرانی بیشتر است؛ برای نمونه، در کلاردشتی ba.dozziy.an «دزدیدن» (کلباسی ۱۳۸۶: ۲۱) و در رامسری bo.dov.əst.an «دویدن» از این نوع‌اند. در رامسری، مصدرهای زیادی با این وند آغاز می‌شوند (شکری ۱۳۸۵: ۱۷۸). کلباسی این وند را به معنای تأکید آورده است، اما گویا صحیح نمی‌نماید. دستورنویسان سنتی که نتوانسته‌اند تفاوت دو فعل «بکرد» و «کرد» را بیابند و کارکرد وند -b(V) را تبیین نمایند، برای توجیه آن، اغلب گفته‌اند که از این دو فعل آن که با وند است، برای تأکید است و دیگری تأکیدی ندارد.

۱) این شکل از پیشوند در مصدرهای زیادی از تالشی پره‌سری (مرکزی) و آلبانی (جنوبی) به چشم می‌خورد. به عنوان نمونه، «رام کردن» ār.var.d.e (آلبانی)، «زیر و رو کردن» ār.šun.d.e (آلبانی)، «سقط کردن» ār.gen.d.e (آلبانی)، «خرد کردن هیزم» ār.anjan.i.st.e (پره‌سری)، «استفراغ کردن» ār.var.d.e (پره‌سری)، «درانداختن» ār.afan.d.e (پره‌سری). در بخش مصدرهای پیشوندی پره‌سری (نک: رضایتی کیشه‌خاله و خادمی‌ارده ۱۳۸۷) نمونه‌هایی از این مصادر یافت می‌شود. رفیعی جبردهی (۱۳۸۴: ۶۹) ضمن مثال‌هایی، این نوع پیشوند را زیرمجموعه پیشوند -ā فرض کرده است.

۳.۳.۳. وند نفی

سومین جایگاه در مصادر زبان‌های سه‌گانه، مخصوص وند نفی است. وند نفی مصدری در تاتی و تالشی، (V)-n است. در افعال ساده تاتی، تالشی و گیلکی، وند نفی در آغاز مصدر قرار می‌گیرد و در مصادر دارای پیشوند اشتقاقی، بعد از پیشوند اشتقاقی می‌آید. در دروی مصدری که پیشوند -bar دارند، وند نفی وسط آنها قرار می‌گیرد. در مصدرهای پیشوندی کرینی که پیشوندشان مانند -bar و -ara بیش از دو واج دارد، وقتی منفی شوند، وند نفی آنها بعد از اولین واج ظاهر می‌شود. وندهای نفی در گیلکی عبارت‌اند از n- (و نیز گونه‌های -ni، -nu، -n، -no) (نک: سبزه‌علی‌پور ۱۳۹۱: ۲۷۳). هریک از گونه‌های وند نفی در محیط آوایی خاصی ظاهر می‌شود. به عبارتی، واکه ماده فعل، تعیین‌کننده واکه وند نفی است.

زبان	مصدر	وند نفی در فعل‌های پیشوندی
دروی	بیرون نکردن	ba.n .r kard.en
کرینی	نگرفتن	a.n .ra.kat.an
پره‌سری	باز نکردن	.n .kar.d.e
سیاه‌مزگی	نپوشیدن	da.n .karde
رشتی	نپوشیدن	du.n.kud. n
رودسری	ننشستن	n .ništ.an

زبان	مصدر	وند نفی در فعل‌های ساده
دروی	نشمردن	n.ašmar.d.en
کرینی	نبردن	n .bard.an
پره‌سری	نگفتن	n -v t.e
سیاه‌مزگی	ندیدن	n .vin.d.en
رشتی	نکردن	nu.kud.an
رودسری	نخوابیدن	do.n.xot. n

۴.۳.۳. ریشه فعل

چهارمین جایگاه در مصدرهای زبان‌های سه‌گانه، مخصوص ریشه است. «ریشه جزئی است که میان لغت‌های تشکیل‌دهنده یک خانواده لغوی مشترک است و معنی اصلی آن لغت‌ها را دربردارد» (ابوالقاسمی ۱۳۸۳: ۱۴۶). در تاتی، تالشی و گیلکی ریشه افعال در مواردی که قابل شناسایی است، دو صورت ضعیف و قوی دارد.

ریشه ضعیف صورتی از ریشه است که /-â-/ ندارد و ریشه قوی صورتی است که /-â-/ دارد. از ریشه قوی غالباً برای ساخت فعل‌های سببی؛ و از ریشه ضعیف برای فعل‌های مجهول و لازم و مواقعی هم برای ساخت فعل واداری استفاده می‌شود. در زیر، چند نمونه از ریشه ضعیف و قوی ذکر می‌شود:

ریشه قوی		ریشه ضعیف		
gârd. n. s(t).en/an	گرداندن	gard- s.en	گشتن	دروی
.g rd. n. s.an	برگرداندن	.gard. s.an	برگشتن	کرینی
ba.vâz.n. st.e	جهانیدن	ba.vaz.	می‌جهد	پره‌سری
â-r s.â.n.de	رسانیدن	â.ras.en	رسیدن	سیاه‌مزگی
e.gâd. n	انداختن	d .gad. n	افتادن	رشتی
d .gân.en	انداختن، آویزان کردن	g n. st. n	انداختن، برخوردن	رودسری

۵.۳.۳. ماده مضارع‌ساز

در زبان تاتی (دروی) ماده‌های مختلف ماضی، مضارع، مجهول و واداری به کار می‌روند، و هر کدام از آنها با استفاده از ریشه و وند یا علامت خاصی ساخته می‌شوند. وند خاصی که برای ساخت ماده مضارع به کار می‌رود -nj()، -n، -in- است؛ مانند ju.en- «جویدن» که -ju- ماده ماضی آن است و با افزودن -n- ماده مضارع به دست می‌آید. مصدر «پاره کردن» ریشه‌اش -v s- و ماده مضارعش -v s. nj- است. مصدر «سپری شدن» -par .in.i.s.en- ماده ماضی‌اش -par- و ماده مضارع‌اش -par .in- است. در مصدر تالشی (پره‌سری) parz.i.st.e «پالوده شدن» ریشه -parz- است که به آن وند ماده مضارع‌ساز -n- اضافه می‌شود (-parz. n).

۶.۳.۳. وند واداری

جایگاه پنجم در مصدرهای تاتی، تالشی و گیلکی، مخصوص وند واداری است. وند واداری یا سببی در زبان تاتی، $n-(\bar{a})-$ و $\bar{a}v\bar{a}n-$ است که به ترتیب پس از ریشه قوی و ریشه ضعیف بعضی از فعل‌ها می‌آید. در گیلکی، وند واداری $\bar{a}n-$ است که به ماده مضارع افزوده می‌شود و در ماضی، ماده ماضی ساز $e/i-$ بدان افزوده می‌شود. مصدرهای واداری گیلکی به $en-$ ختم می‌شوند. در تالشی، وندهای سببی دو دسته‌اند: $n-$ و $\bar{a}v\bar{a}n-$ در پره‌سری؛ و $\bar{a}n-$ و $\bar{a}m\bar{a}n-$ در سیاه‌مزگی. وند $n-$ بعد از ریشه قوی و دیگری بعد از ریشه ضعیف افزوده می‌شود:

با وند $\bar{a}v\bar{a}n-$ / $\bar{a}m\bar{a}n-$		با وند $n-(\bar{a})-$		
$g\bar{a}l.\bar{a}v\bar{a}n.\bar{a}s.en$	جوشاندن	$xur.\bar{a}n.\bar{a}s.en$	خندانند	دروی
$d\bar{a}.\check{c}\bar{a}k.\bar{a}m\bar{a}n.\bar{a}s.an$	چسباندن	$fa:m.\bar{a}n.\bar{a}s.an$	فهماندن	کرینی
$x\bar{a}s.\bar{a}v\bar{a}n.\bar{a}st.e$	خواباندن	$r\bar{a}x.n.\bar{a}st.e$	رهانیدن	پره‌سری
$larz.\bar{a}men.d.en$	لرزاندن	$ji.v\bar{a}z.\bar{a}n.d.en$	گریزانند	سیاه‌مزگی
---	---	$da.v\bar{a}r.\bar{a}n.en$	گذارنیدن	رشتی
---	---	$di.mir.\bar{a}n.en$	کشتن، غرق کردن	رودسری

۷.۳.۳. وند مجهول‌ساز

جایگاه هفتم در مصدرهای این منطقه، از آن وند مجهول است. این وند، که در تاتی و تالشی با ریشه ترکیب می‌شود و ماده مجهول می‌سازد، قابل مقایسه با وند $\bar{t}h-$ در زبان پهلوی است که به ماده مضارع افزوده می‌شد و فعل مجهول مضارع می‌ساخت و برای ساخت مجهول ماضی هم وند $\bar{t}st-$ به ماده مضارع مجهول افزوده می‌شد (نک: آموزگار و تفضلی ۱۳۸۲: ۸۰).

۸.۳.۳. پسوندهای ماضی‌ساز

جایگاه ششم در مصدرهای تاتی، تالشی و گیلکی، ویژه پسوندهای ماضی‌ساز است. پسوندهای ماضی‌ساز در تاتی $(\bar{a})s(s/t)-$ ، $i-$ ، $t-$ ، $d-$ ، $\emptyset-$ ؛ در تالشی، $i-$ ، $t-$ ، $d-$ ، $(i/\bar{a}/u)st-$ ؛ و در گیلکی، $\emptyset-$ ، $i-$ ، $t-$ ، $d-$ ، $(a/\bar{a}/u)st-$ هستند، که به ریشه فعل افزوده می‌شوند و ماده

ماضی می‌سازند. وند -i- در گیلکی و تالشی سیاه‌مزگی و نیز وند -əst- در سیاه‌مزگی به کار نمی‌رود (رضایتی کیشه‌خاله و سبزیلیپور، ۱۳۸۷: ۱۲۷).

-i-	-(ə)s(s/t)-	-d-	-t-	
xər.i.en (خریدن)	zān.əs.en (دانستن)	mar.d.en (مردن)	nəš.t.en (نشستن)	دروی
bi.[y].an (بودن)	fam.əs.an (فهمیدن)	čar.d.an (چریدن)	kəš.t.an (گشتن)	کرینی
bi.en (بودن)	tars.əs.e (ترسیدن)	bar.d.e (بردن)	nəš.te (نشستن)	پره‌سری
---	---	pər.d.en (راه رفتن)	nəš.t.en (نشستن)	سیاه‌مزگی
---	rəm.əst.an (رمیدن)	xor.d.an (خوردن)	bāf.t.an (بافتن)	رشتی
---	jang.əst.an (جنگیدن)	šān.d.an (پاشیدن)	du.kuš.t.an (خاموش کردن)	رودسری

۹.۳.۳. علامت مصدری

علامت مصدری در تاتی دروی، [y]en- (و نیز -n)؛ و در کرینی، [y]an- است. گونه‌های -n و [y]en- گاهی به ماده‌هایی ملحق می‌شود که مختوم به مصوت بلند باشند، البته در دو گونه تاتی خلخال (اسکستانی و اسبویی که احتمالاً باید آنها را تالشی دانست نه تاتی^۱)، مصدر به -e ختم می‌شود. مصدر تالشی با افزودن نشانه مصدری e(n)- به آخر ماده ماضی و در برخی موارد، به ریشه افعال به دست می‌آید. علامت مصدری در پره‌سری، e-؛ و در سیاه‌مزگی، e(n)- است (نک: سبزیلیپور ۱۳۹۱: ۱۵۷). مصدر گیلکی از ماده ماضی به علاوه علامت مصدری ساخته می‌شود. علامت مصدری در گیلکی رشتی و رودسری، n(a/ə/e)- است. مصدری که سببی‌اند، به -en؛ و نیز تعدادی از مصادر گیلکی که سببی نیز نیستند، به -en ختم می‌شوند. این دسته از مصادر، ماده ماضی‌شان به -i- یا -e- ختم می‌شود. در سایر موارد، مصادر در آخرشان -ən دارند که در حال تغییر به -an است. وقتی ماده مختوم به واکه است، فقط -n اضافه می‌شود (مثل āmon) (نک:

۱) درباره تالشی بودن این دو گونه، سبزیلیپور (۱۳۸۹) در «نشانه‌های تالشی در مناطق تات‌زبان خلخال»، شواهد زیادی آورده است.

۲) امروزه علامت مصدری در گیلکی چنان ثابت نیست، گاهی گویشوران یک مصدر را در دو موقعیت زمانی به دو صورت تلفظ می‌کنند. به نظر می‌رسد، علامت مصدری نشانه اصلی خود را از دست داده است. در گیلکی، نشانه مصدرساز تشخیص خاصی ندارد و به شکل‌های مختلف تلفظ می‌شود. امروزه تحت تأثیر زبان فارسی کم‌کم به -an نزدیک می‌شود؛ به عنوان مثال، مصدر «نشستن»، ništ-ən و ništ-an تلفظ می‌شود. واکه وند مصدرساز گیلکی از نظر آوایی بین -ə- و -e- است، اما امروزه بیشتر -a- ادا می‌شود.

همان: ۴۳، ۱۵۸، ۲۶۷). به طور خلاصه، می‌توان در جدول زیر علامت‌های مصدری را مشاهده کرد:

نام زبان	دروی	کرینی	پره‌سری	سیاه‌مزگی	رشتی	رودسری
علامت مصدری	-(e)n	-(a)n	-e	-e(n)	-an/- n	-an/- n/-en

۴.۳. سایر نکات مربوط به مصدر

علاوه بر نکاتی که در بالا درباره‌ی مصدر در زبان‌های مورد مطالعه گذشت، نکات دیگری نیز در این مورد قابل طرح است که از جمله آنها به این موارد می‌توان اشاره کرد: نحوه‌ی ساخت مصدر از ریشه‌ی فعل، مصدر مجهول، مصدر واداری، دستوری‌شدگی مصدر، تفاوت مصدر لازم، مصدر متعدی و مصدر مرخم.

۱.۴.۳. نحوه‌ی ساخت مصدر از ماده‌ی فعل

اغلب مصادر در حوزه‌ی مورد بررسی، از ماده‌ی ماضی به دست می‌آیند. در ساخت تعدادی از مصدرهای این شاخه‌ی زبانی (به‌ویژه تالشی شمالی) ظاهراً ماده‌ی مضارع ظاهر می‌شود^۱، اما با دقت بیشتر، مشخص می‌شود که این ماده‌ی مضارع نیست، بلکه همان ریشه است که ماده‌ی مضارع در تعدادی از موارد، شبیه آن است؛ مانند «شنیدن»، ku-e «کویدن». در این مصادر، mas- و ku- ریشه‌ی فعل و همانند ماده‌ی ماضی و مضارع هستند. در ایرانی باستان نیز، در مواردی، بدون افزوده شدن چیزی به ریشه، ماده‌ی فعل ساخته می‌شد (نک: ابوالقاسمی ۱۳۸۳: ۱۴۸ و ۱۵۲). مانند ریشه‌ی اوستایی jan- (ماده‌ی مضارع «زدن») که هم ریشه و هم ماده‌ی مضارع است و -d (ماده‌ی ماضی «دادن») که هم ریشه و هم ماده‌ی ماضی است. در نوع دوم مصدرهای مجهول تاتی دروی (نک: ادامه‌ی بحث) نیز، ماده‌ی مضارع ظاهر می‌شود.

۲.۴.۳. مصدرهای مجهول

در زبان‌های مورد بررسی، مصدرهای مجهول با بقیه مصدرها در ساخت تفاوت دارند. در گیلکی، ماده مجهول وجود ندارد و بدان خاطر، مصدر مجهول نیز وجود ندارد. طرز ساخت مصدرهای مجهول تاتی و تالشی به دو روش زیر است:
 نوع اول: ریشه + وند مجهول -i- (= ماده مجهول) + وند ماضی ساز + علامت مصدری.

1	.zar.i.s.en	پاره شدن، حرص زیاد خوردن (تاتی دروی)
2	.gir.i.s.en	روشن شدن (تاتی دروی)
3	. ar.i.s.en	چریده و خورده شدن (تاتی دروی)
4	.par i.e	غارث شدن (تالشی پره‌سری)
5	.kar.i.st.e	بر زمین کشیده شدن (تالشی پره‌سری)
6	da.f r i.st.e	له شدن (تالشی پره‌سری)

نوع دوم: ماده مضارع + وند مجهول -i- (= ماده مجهول) + وند ماضی ساز + علامت مصدری.

7	.v šk. n.i.s.en	برهم زده شدن (تاتی دروی)
8	.dur.n.i.s.en	بی‌نظم درو شدن علف (تاتی دروی)
9	e.k r.n.i.s.en	به زمین کشیده شدن (تاتی دروی)
10	.par i.n.i.s.en	سپری شدن (تاتی دروی)
11	pe.par i.n.i.st.e	جمع شدن، غارث شدن (تالشی پره‌سری)
12	dar.anj.an.i.st.e	در هم شکستن و خرد شدن (تالشی پره‌سری)
13	su.n.i.st.e	ساییده شدن (تالشی پره‌سری)

شاید به نظر برسد که در مثال‌های نوع دوم، همانند دسته اول، فقط ریشه ظاهر شده است، اما همچنان که معلوم است، در مثال‌های ۷ تا ۱۳، علامت ماده مضارع ساز -n-، -an-، -n- نشان می‌دهد که آنها ماده مضارع هستند، نه ریشه. ریشه در مثال‌های فوق،

(۱) اطلاق نام نوع اول و دوم برای این مصادر مجهول تاتی، فقط برای شناسایی و اشاره آسان‌تر به آنهاست.

قبل از وند مضارع‌ساز آمده است. در این دو جمله، مادهٔ مضارع بودن آنها در تاتی دروی قابل مشاهده است:

حسن دارد کیسه را می‌کشد روی زمین. hasan k r kisa k r.n. zam in. ku.

حسن کیسه را دیروز روی زمین کشید. hasan kisa.š zir zamin. ku b .k r.i.

سه مثال ۴ تا ۶ از تالشی، هر کدام شکل دیگری نیز دارند که در آنها وند مضارع‌ساز -n- خود را نشان می‌دهد: par i.n.i.st.e. «پاک شدن زمین از خس و خار»، k r.n.i.e. «بر زمین کشیدن»، da.f r .n. .st.e. «له کردن».

ظهور مادهٔ مضارع در ساخت مصدر مجهول و افزوده شدن وند مجهول ماضی تاتی و تالشی (-is(t)) به مادهٔ مضارع، در زبان پهلوی هم سابقه دارد (نک: آموزگار و تفضلی ۱۳۸۲: ۸۰). با توجه به شمالی‌غربی بودن زبان تاتی و تالشی، و اینکه پارتی هم از این دسته است، می‌توان حدس زد که مصدر مجهول این دو زبان که در آنها وند -is- بسیار پرکاربرد است، ارتباطی با فعل مجهول پارتی دارد که به‌نوعی بازماندهٔ ماده‌های آغازی ایرانی باستان (مختوم به -s-a*) است (نک: رضائی باغبیدی ۱۳۸۵: ۱۳۲).

۳.۴.۳. مصدر واداری

مصدرهای واداری تاتی، تالشی و گیلکی در شکل با بقیهٔ مصدرها تفاوت دارند و به دو روش ساخته می‌شوند: الف) استفاده از وند واداری؛ ب) با استفاده از گردش مصوت و وند واداری. نوع «الف» مصادر واداری در هر سه زبان این ناحیه رایج است و طرز ساخت آن به شرح زیر است:

ریشهٔ فعل + وند واداری (= مادهٔ سببی) + وندماضی‌ساز + وند مصدرساز

در تاتی، وندهای سببی دو دسته‌اند: -n) (-، -ân- که با ریشهٔ قوی به کار می‌روند؛ m n- و v n- که با ریشهٔ ضعیف می‌آیند. در تالشی هم وندهای -n- و -n- با ریشهٔ قوی؛ و -âm n- و -âv n- با ریشهٔ ضعیف به کار می‌روند. در زبان گیلکی، ریشه‌های ضعیف و قوی به‌ندرت قابل شناسایی هستند؛ در آن موارد خاص، وند واداری به دو

روش به دست می‌آید: الف) ریشه ضعیف + -ân- (در ماضی -i/-e به وند سببی اضافه می‌شود)؛ ب) ریشه قوی بدون وند سببی.

در جدول زیر، نمونه‌هایی از مصدر واداری در زبان‌های تاتی، تالشی و گیلکی که در آنها ریشه قوی به کار رفته، آمده است. در ستون سمت چپ شکل ضعیف آن مصادر آمده است، تا تفاوت ریشه ضعیف و قوی قابل ملاحظه باشد:

زبان	معنی	مصدر واداری با ریشه قوی	مصدر ناگذر با ریشه ضعیف
تاتی دروی	لرزاندن	lârz.ân.s.en	larz. s.en
تاتی کرینی	ترساندن	târs. n. s.an	tars. s.an
تالشی پره سری	برگرداندن	da.g rd. n. st.e	da.gard. st.e
تالشی سیاه‌مزگی	گرداندن	gârd. n.d(en)	gard.e(n)
گیلکی رشتی	انداختن	d r.gân.en	g n. st. n
تاتی کرینی	ترکاندن	trâk. n.s.an	t rakk.es.an

نمونه‌هایی از مصدر واداری در زبان‌های تاتی، تالشی و گیلکی که در آنها ریشه ضعیف به کار رفته است:

تاتی دروی	دل‌سرد کردن	srang. v n. s.en
تاتی کرینی	رساندن	.ras. m n. s.an
تالشی پره سری	لیز کردن	l s. vn. st.e
تالشی سیاه‌مزگی	جوشاندن	g l.âm n.d.e
گیلکی رشتی	پژمراندن	ulk.ân.en
گیلکی رودسری	واژگون کردن	va.gard.âni

۴.۴.۳. دستوری‌شدگی

دستوری‌شدگی فرایندی است که در آن عناصری که واژگانی شده‌اند، به امکانات دستوری تبدیل می‌شوند یا اجزای دستوری، ویژگی‌های دستوری جدیدی را به دست می‌آورند (برای دستوری‌شدگی، نک: هاپر ۱۹۹۱؛ ویشر ۲۰۰۶؛ نغزگوی کهن ۱۳۸۹). مصدر در هر زبان کارکردی خاص دارد و در زبان‌های مورد مطالعه، اغلب در ساخت‌واژه، به عنوان

اسم و در نحو، به عنوان گروه اسمی به شمار می‌رود. در تاتی، تالشی و نیز گیلکی، دستوری‌شدگی مصدر روی داده است. در زبان‌های مورد نظر، مصدر به چند دلیل دستوری شده است:

۱.۴.۴.۳. تبدیل شدن به حرف اضافه: در زبان گیلکی رشتی، مصدر mān.əst.ən به عنوان حرف اضافه در معنای «مثل» و «مانند» به کار می‌رود و بسیار هم پرکاربرد است (برای مثال، نک: ۳.۱.۳).

۲.۴.۴.۳. تبدیل شدن به فعل: در زبان‌های مورد بررسی، مصدر کارکرد فعلی پیدا کرده است و در ساخت فعل نقش دارد. گاهی خود به‌تنهایی فعل است و شناسه می‌گیرد. این مورد خود چند حالت دارد:

الف) در تاتی، تالشی و گیلکی، تابع فعل‌های شبه‌معین همیشه مصدر است؛ مانند šām vāt.en «می‌توانم بگویم». مثال‌های بیشتر این مورد در بند ۴.۱.۳ آمده است.

ب) مصدرهای این حوزه در صرف فعل نقش دارند. همچنان‌که در بند ۲.۱.۳ گذشت، در گیلکی رشتی و نیز رودسری، مصدر برای صرف ماضی مستمر و نیز مضارع مستمر نقش دارد؛ مثال از رشتی: xoftən di bim «داشتم می‌خوابیدم»، (ə) xurdən dər-əm «دارم می‌خورم». در گیلکی رودسری، شکل کوتاه‌شده مصدر یا همان مصدر مرخم به کار می‌رود: nište də bum «داشتم می‌نشستم»، «داری می‌بری». در تالشی پره‌سری، برای ماضی مستمر و نیز مضارع مستمر از مصدر استفاده می‌شود: kâ(r) bimun nəšte «داشتیم می‌نشستیم»، «دارم می‌خورم». در تاتی کرینی، برای صرف مضارع اخباری، از مصدر مرخم استفاده می‌شود: vâta kar-i «می‌گویی».

در گیلکی لشت‌نشایی، صورتی از فعل وجود دارد که از مصدر به اضافه شناسه به دست می‌آید، یعنی مصدر همانند فعل شناسه می‌گیرد؛ مانند

inə gutən-ø ki amu amu:rima.	بهبش می‌گفتی که ما داریم می‌آیم!
čəə mi raf:a be:sayid, šumi šimi qəzaye xordən-id de.	چرا منتظر من وایسادید، غذاتون رو می‌خوردید دیگه.

البته تالِرمَن (۲۰۰۵: ۸۴-۸۵) نیز به این نکته اشاره کرده است که مصدرها در بعضی از زبان‌های دنیا (مثلاً پرتغالی) شخص و شمار می‌گیرند.

۳.۴.۴.۳. ایفای نقش در ساخت فعل نهی: در زبان گیلکی رشتی، مصدر در ساخت فعل نهی نقش دارد. مانند: n v goft. n («نگو») (برای توضیح و مثال بیشتر، نک: بند ۶.۱.۳).

۴.۴.۴.۳. مصدر مرخم: همچنان‌که در مثال‌هایی معلوم شد، در زبان‌های تاتی و گیلکی، شکلی از مصدر در هنگام صرف فعل به کار می‌رود که می‌توان به آن، مصدر کوتاه‌شده یا به گفته دستوریان قدیم، «مصدر مرخم» گفت. در این مصدر علامت مصدری و گاهی چیزی بیش از علامت مصدری حذف می‌شود. در تالشی، مصدر مرخم به چشم نمی‌خورد و شاید دلیلش این باشد که در تالشی، علامت مصدری e- خود کوتاه است و در تاتی و گیلکی، علامت مصدری اغلب حاصل یک مصوت و یک صامت n- است و در شکل کوتاه‌شده‌اش، علامت مصدری ظاهر نمی‌شود. در مصدر kud. n گیلکی رشتی، شکل کوتاه‌شده ka است که کمی با دیگر مصدرهای مرخم تفاوت دارد. در گونه‌های بررسی‌شده این تحقیق، در موارد زیر، مصدر مرخم به کار می‌رود:

az h sâ št râ vâta kar. m.	من الآن برای تو می‌گویم.	مضارع اخباری تاتی کرینی
xurde dar. m.	دارم می‌خورم.	مضارع مستمر گیلکی رودسری
xote d bum.	داشتم می‌خوایدم.	ماضی مستمر گیلکی رودسری
xand sa d r .	دارد خنده می‌کند.	مضارع مستمر گیلکی رودسری
g ry ka.r .	دارد گریه می‌کند.	مضارع مستمر گیلکی رشتی

۵.۴.۳. تفاوت مصدر لازم و متعدی

در زبان‌های مورد مطالعه فرقی بین مصدر متعدی و لازم نیست. یعنی هیچ علامت یا نند خاصی نیست که مختص یکی از این دو گروه باشد. البته ناگفته پیداست که مصدر سببی (واداری) با استفاده از وندی خاص یا گردش مصوتی که دارد (نک: بند ۳.۴.۳) از بقیه متمایز است.

۴. نتیجه

در زبان‌ها و گویش‌های ایرانی حاشیة خزر مصدرهای زیادی رواج دارند و بسیاری از آنها، از نظر قدمت، قدیمی‌تر از مصادر فارسی‌اند. یک بررسی تطبیقی بین همه زبان‌های این ناحیه مشکلات زیادی از مسائل زبان‌شناسی این شاخه را حل خواهد کرد. نتیجه‌ای که از این تحقیق به دست می‌آید این است که مصدرها در زبان‌های حوزه خزر، کارکردها و اشتراکات صرفی فراوانی با هم دارند؛ یعنی در اغلب آنها، مصدر کامل در ساخت فعل‌های غیرشخصی، فعل‌های ماضی مستمر و مضارع مستمر و فعل نهی دخیل است و به عنوان گروه اسمی و فعل تابع نیز به کار می‌رود. مصادر ساده و پیشوندی این حوزه در حال فراموشی‌اند و به جایشان، مصادر مرکب به سرعت در حال افزایش‌اند. در اغلب گونه‌های زبانی این ناحیه، نزدیک به دوپست مصدر ساده و چهارصد مصدر پیشوندی وجود دارد. در ساختار مصدر این حوزه، علاوه بر وند مصدری، هشت جایگاه برای وندهای مختلف وجود دارد که از جمله آنها می‌توان به وند واداری، وند مجهول‌ساز، وند اشتقاقی، و وند ماضی‌ساز اشاره کرد. در این زبان‌ها، دستوری‌شدگی مصدر روی داده و مصدر حتی به عنوان حرف اضافه به کار می‌رود و گاه حتی شناسه می‌گیرد.

منابع

- آموزگار، ژاله، و تفضلی، احمد، ۱۳۸۲. *زبان پهلوی، ادبیات و دستور آن*، تهران.
ابوالقاسمی، محسن، ۱۳۸۳. *دستور تاریخی زبان فارسی*، تهران.
پاینده، لنگرودی، محمود، ۱۳۷۵. *فرهنگ گیل و دیلم (فارسی به گیلکی)*، تهران.
پورشقی، مریم، ۱۳۸۵. *توصیف دستگاه فعل در گویش تالشی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه گیلان، رشت.
پورهادی، مسعود، ۱۳۸۳. *زبان گیلکی*، رشت.
خلیلی، کامیاب، ۱۳۷۸. *فرهنگ مشتقات مصادر فارسی*، تهران.
رضایتی‌کیشه‌خاله، محرم، ۱۳۸۵. «مصدر و ساخت آن در گویش تالشی»، *گویش‌شناسی*، دوره سوم، ش پنجم، ص ۷-۳۰.
_____، ۱۳۸۶. *زبان تالشی*، رشت.
_____ و خادمی ارده، ابراهیم، ۱۳۸۷. *فرهنگ موضوعی تالشی به فارسی (شامل لغات، ترکیبات و کنایات تالشی مرکزی)*، رشت.

_____ و سبزیلیور، جهان‌دوست، ۱۳۸۷، «ریشه و ماده فعل در گویش‌های تاتی، تالشی و گیلکی»، ادب‌پژوهی، س دوم، ش ۶، ص ۱۱۱-۱۳۲.

رضائی باغبیدی، حسن، ۱۳۸۵، *راهنمای زبان پارسی (پهلوی اشکانی)*، تهران.

رضایی جیردهی، علی، ۱۳۸۴، «پیشوندهای فعلی در تالشی» *گویش‌شناسی*، دوره دوم، ش ۴، ص ۶۵-۷۶.

سبزیلیور، جهان‌دوست، ۱۳۸۹، «نشانه‌های تالشی در مناطق تات‌زبان خلیخال»، *ادب‌پژوهی*، س چهارم، ش ۱۳، ص ۱۰۹-۱۳۰.

_____ ۱۳۹۰، *فرهنگ تاتی*، رشت.

_____ ۱۳۹۱، *بررسی تطبیقی ساخت فعل در گویش‌های تاتی (خلخال)*، تالشی و گیلکی، رشت.

_____ (زیر چاپ)، «فرهنگ‌نگاری گویشی (مطالعه موردی: بررسی فرهنگ‌نگاری در گیلکی)»، *مجله زبان‌پژوهی* (دانشگاه الزهراء).

ستوده، منوچهر، ۱۳۳۲، *فرهنگ گیلکی*، تهران.

سرتیپ‌پور، جهانگیر، ۱۳۶۹، *ویژگی‌های دستوری و فرهنگ واژه‌های گیلکی*، رشت.

شکری، گیتی، ۱۳۸۵، *گویش رامسری*، تهران.

صادقی، علی‌اشرف، ۱۳۷۲، «درباره فعل‌های جعلی در زبان فارسی»، *مجموعه مقالات سمینار زبان فارسی و زبان علم*، تهران، ص ۲۳۶-۲۴۶.

صبوری، نرجس‌بانو، ۱۳۹۲، «ریشه‌شناسی چند مصدر گیلکی»، *زبان‌های و گویش‌های ایرانی*، دوره جدید، ش دوم، ص ۵۳-۶۳.

کلباسی، ایران، ۱۳۸۶، *وندهای اشتقاقی در لهجه‌ها و گویش‌های ایرانی و کاربرد آنها در واژه‌سازی*، تهران.

مرادیان گروسی، علی‌اکبر، ۱۳۸۵، *مصدر در زبان گیلکی به گویش رشتی*، رشت.

مرعشی، احمد، ۱۳۸۲، *واژه‌نامه گویش گیلکی به انضمام اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های گیلکی*، رشت.

میرهاشمی، سید حنان، ۱۳۹۱، *انواع بند در زبان گیلکی (براساس داده‌هایی از گیلکی لشت‌نشایی)*، رشت.

ناتل خانلری، پرویز، ۱۳۶۶، *تاریخ زبان فارسی*، چاپ سوم، تهران.

نغزگوی کهن، مهرداد، ۱۳۸۹، «چگونگی شناسایی موارد دستوری شدگی»، *پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی*، دوره اول، ش دوم، ص ۱۴۹-۱۶۵.

نوزاد، فریدون، ۱۳۸۱، *گیله‌گب: فرهنگ گیلکی - فارسی*، رشت.

Hopper, P. J. and Traugott, E. C., 1993, *Grammaticalization*, Cambridge.

Tallerman, M., 2005, *Understanding Syntax*, 2nd ed., London.

Wischer, I., 2006, "Grammaticalization", *Encyclopedia of Language and Linguistics*, Brown, 2nd ed., Elsevier, pp. 129-136.



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی